

ضرورت تفکیک تولید و صادرات

عضو اتاق بازرگانی تهران با بیان اینکه صادرکنندگان علاوه بر محدودیت‌های خارجی با موانع داخلی نیز مواجه‌اند، خواستار تمرکز سیاست‌گذاری تجارت خارجی در یک نهاد تخصصی شد.
محمدرضا غفراللهی، عضو اتاق بازرگانی تهران، در گفت‌وگو با مهر با تأکید بر اهمیت صادرات در شرایط فعلی اقتصاد کشور با توجه به در پیش بودن روز ملی صادرات گفت: صادرات علاوه بر ارزآوری، به افزایش بهره‌وری ظرفیت‌های تولیدی، ایجاد اشتغال و تقویت جایگاه ایران در بازارهای خارجی کمک می‌کند و باید موانع داخلی و خارجی پیش روی صادرکنندگان کاهش یابد.

وی با بیان اینکه روز ملی صادرات فرصتی برای بازاندیشی در مفهوم صادرات است، اظهار کرد: میزان صادرات یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت اقتصادی کشورهاست و حضور کالاهای یک کشور در بازارهای خارجی، علاوه بر ایجاد درآمد ارزی، دامنه نفوذ اقتصادی و قدرت تعامل آن کشور را افزایش می‌دهد.

غفراللهی افزود: ایران نیز برای تأمین ارز مورد نیاز واردات کالا و مواد اولیه، نیازمند توسعه صادرات است. از سوی دیگر، ظرفیت تولید در بسیاری از بخش‌ها بیش از نیاز بازار داخلی ایجاد شده و برای استفاده از سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده و افزایش بهره‌وری، باید امکان حضور این محصولات در بازارهای خارجی فراهم شود. عضو اتاق بازرگانی تهران با بیان اینکه صادرکنندگان علاوه بر محدودیت‌های خارجی با موانع داخلی نیز مواجه‌اند، گفت: تحریم‌های بانکی، مشکلات حمل‌ونقل و محدودیت‌های مربوط به نقل‌وانتقال پول، فرآیند صادرات را دشوار کرده است؛ با این حال، بخشی از مشکلات به تغییر مداوم مقررات و تصمیم‌گیری‌های داخلی بازمی‌گردد.

وی ادامه داد: صادرکننده پس از طی مسیر دشوار تولید، حمل و رساندن کالا به بازار هدف و دریافت وجه، با مقرراتی مواجه می‌شود که ممکن است در فاصله کوتاهی تغییر کند. این تغییرات و تصمیمات سلیقه‌ای، هزینه و ریسک تجارت خارجی را افزایش می‌دهد. غفراللهی خواستار تمرکز سیاست‌گذاری تجارت خارجی در یک نهاد تخصصی شد و گفت: سازمان توسعه تجارت باید متولی اصلی سیاست‌گذاری در حوزه صادرات و واردات باشد و سایر دستگاه‌ها نیز دغدغه‌ها و پیشنهادهای خود را از مسیر این سازمان پیگیری کنند تا مقررات بر مبنای واقعیت‌های تجارت و با رویکرد توسعه صادرات تدوین شود.

وی با تأکید بر ضرورت تفکیک وظایف تولیدکنندگان و فعالان تجارت خارجی گفت: تولیدکننده باید بر تولید محصول باکیفیت، استفاده از فناوری روز، رعایت استانداردهای بازار هدف و تأمین مواد اولیه تمرکز کند و صادرکننده نیز وظیفه بازاریابی، حضور در بازار مقصد و توسعه فروش را بر عهده داشته باشد.

عضو اتاق بازرگانی تهران افزود: در حال حاضر به دلیل سیاست‌گذاری‌های نادرست، در بسیاری از موارد تولیدکننده به صادرکننده و صادرکننده به واردکننده تبدیل شده و این‌جابه‌جایی وظایف، بلاتکلیفی و ناکارآمدی ایجاد کرده است.

غفراللهی شرکت‌های مدیریت صادرات را یکی از ظرفیت‌های مهم برای توسعه صادرات دانست و گفت: این شرکت‌ها می‌توانند در کنار تولیدکننده قرار بگیرند تا تولیدکننده بر فعالیت تخصصی خود متمرکز شود و شرکت مدیریت صادرات، فرآیند صادرات را از تحویل کالا در کارخانه تا رساندن آن به بازار هدف مدیریت کند.

وی افزود: بازاریابی، حمل‌ونقل، خدمات پس از فروش، تبلیغات، اخذ مجوزهای مورد نیاز در کشور مقصد و مدیریت مرادات بانکی از جمله وظایفی است که شرکت‌های مدیریت صادرات می‌توانند بر عهده بگیرند و با تخصصی‌کردن این فرآیند، هزینه صادرات را کاهش دهند.

غفراللهی با اشاره به نبود حمایت کافی از این شرکت‌ها گفت: شرکت‌های مدیریت صادرات باید از نظر قانونی و اجرایی با صادرکنندگان عادی تفاوت داشته باشند، چراکه این شرکت‌ها دارای مجوز، سابقه فعالیت و نظام ارزیابی و رتبه‌بندی هستند و می‌توانند به‌صورت تخصصی توسعه بازار کالاهای ایرانی را دنبال کنند.

وی همچنین خواستار تسهیل فرآیندهای ارزی و مالیاتی برای شرکت‌های مدیریت صادرات شد و گفت: در حوزه رفع تعهدات ارزی و بازگشت ارزافزوده، این شرکت‌ها نباید با همان موانعی مواجه باشند که ممکن است برای فعالیت‌های غیرتخصصی ایجاد شده است.

عضو اتاق بازرگانی تهران تأکید کرد: حمایت از شرکت‌های مدیریت صادرات لزوماً به معنای حمایت مالی نیست، بلکه باید با تسهیل مقررات و کاهش بروکراسی، زمینه فعالیت حرفه‌ای آنها فراهم شود تا بتوانند بازارهای جدیدی برای کالاهای ایرانی ایجاد کنند و تولیدکنندگان نیز با تمرکز بیشتر بر تولید، ظرفیت صادرات کشور را افزایش دهند.



چالش نوآوری صنعتی ایران را نباید صرفاً به کمبود کارآفرین یا ضعف دانشگاه یایک سیاست‌گذاری خاص نسبت داد



یکی از خطاهای تکرار شونده در سیاست صنعتی ایران، توجه بیش‌تر به فناوری‌های چشمگیر و توجه کمتر به خصلت‌های نهادی است که باید آن فناوری‌ها را پدید آورد و گسترش دهند

صنعت گزارش می‌دهد

تولید زیر سقف نامرئی پیشرفت صنعتی



پیشرفت پرشتاب هوش مصنوعی، خودروهای خودران، پهپادها، محاسبات کوانتومی و رباتیک، چشم‌انداز اقتصادی جهان، جریان‌های تجاری و مسیر رشد صنایع را دگرگون کرده است.
باین‌حال، دامنه این تحول هر اندازه جهانی باشد، توان توسعه و بکارگیری این فناوری‌ها در مقیاس صنعتی امتیازی است که به‌طور برابر میان کشورها توزیع نشده است. امروز پیوند زدن نام بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با موج فناوری‌های نوظهور نماد همگامی با پیشرفت روز شده است، اما میان حضور نمادین و رهبری صنعتی فاصله‌ای جدی وجود دارد. پرسش اساسی این است که آیا افزایش بودجه و تقویت توان پژوهشی برای جبران شکاف فناورانه با پیشگامان این حوزه‌ها کافی است، یا پیشتازی پایدار صنعتی به عواملی فراتر و ساختاری‌تر وابسته است؟ **صنعت** در این گزارش نگاهی دارد به وضعیت فناوری در جهان صنعت و اینکه چرا همه پیشتاز فناوری نمی‌شوند که در ادامه می‌خوانید.

چرا همه پیشتاز فناوری نمی‌شوند؟

فناورانه، رازآفرینی کنند. بازتولید پیوندهای نهادی کمتر مشهود آن، به‌مراتب دشوارتر بوده است.

تجربه امریکا و چین

پیشرفت پژوهشگران دانشگاهی و صنعتی امریکا در قرن بیستم با سرمایه‌گذاری عمومی در پژوهش و رشد صنایعی همراه شد که می‌توانستند یافته‌های علمی را در مقیاس وسیع به کار گیرند. دانشگاه‌ها مهندسان و مدیران را آموزش می‌دادند و بنگاه‌ها مسائل عملی، امکانات تخصصی و فرصت‌های شغلی در اختیار آنها می‌گذاشتند. توان علمی و صنعتی از این‌را ه یکدیگر را تقویت می‌کردند. اخیراً آسیا تایمز هم در مقاله‌ای بر اهمیت این پیوند تأکید کرده است. ازاین‌رو، مقایسه مسیر نوآوری یک کشور با سیلیکون‌ولی نباید به شمار شرکت‌های نوپا یا محصولات فناورانه محدود بماند. آمادگی زیست‌بوم برای پرورش و گسترش این فعالیت‌ها نیز باید سنجیده شود.

چین مسیر یکسانی با سیلیکون‌ولی نپیموده است، اما به شیوه خود پیوند میان پژوهش و تولید را تقویت کرده است. دانشگاه‌های این کشور در کنار ظرفیت گسترده تولیدی و شبکه‌های متراکم تأمین‌کنندگان، مهندسان و بنگاه‌های فناورانه فعالیت می‌کنند. در حوزه‌هایی مانند علم مواد، الکترونیک و فرایندهای صنعتی، این نزدیکی می‌تواند آزمایش سریع‌تر طرح‌ها، اصلاح فرایندها و کاهش فاصله میان نمونه اولیه و تولید را ممکن کند. مزیت چنین محیطی تنها حجم تولید نیست، بلکه فرصت یادگیری مداوم از راه به‌کارگیری دانش نیز اهمیت دارد.

برخی شاخص‌های پژوهشی بازتابی از رشد توان علمی چین هستند. بنا بر داده‌های نقل‌شده از رتبه‌بندی ۲۰۲۶ نیچر ایندکس، ۹ مؤسسه از ۱۰ مؤسسه پژوهشی برتر این شاخص چینی هستند. آکادمی علوم چین در رتبه نخست، دانشگاه جیانگ در رتبه دوم و دانشگاه هاروارد در رتبه سوم قرار دارند. همچنین نزدیک به نیمی از خروجی ثبت‌شده در حوزه شیمی در این شاخص به چین تعلق دارد. باین‌حال، رتبه مؤسسات و شمار مقاله‌ها نه تصویری کامل از کیفیت نظام پژوهشی و توان فناورانه یک کشور به دست می‌دهند و نه به‌تنهایی پیشتازی آینده آن را در

ارزش آفرینی، کم‌ارزش شده است!

باید در توسعه زیرساخت، پشتیبانی از پژوهش‌های پایه، تدوین استانداردها، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، تأمین مالی مراحل اولیه فناوری‌های راهبردی و ایجاد بازارهای اولیه نقش داشته باشد. باین‌حال، قرار نیست جایگزین کارآفرین، مدیر صنعتی یا سرمایه‌گذار خصوصی شود. بنگاه‌های صنعتی نیز باید از مصرف‌کننده صرف فناوری به مشارکت‌کننده در تحقیق و توسعه، طراحی محصول، همکاری با نوآوران و تقویت زنجیره تأمین تبدیل شوند. بدون چنین تقسیم کاری، نه دولت می‌تواند همه منابع و مهارت‌های لازم را فراهم کند و نه بخش خصوصی انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت خواهد داشت. سیاست‌گذار نیز باید به‌جای تمرکز یک‌جانبه بر خود فناوری، سازوکارهایی را تقویت کند که خلق، جذب و بهبود پیوسته آن را ممکن می‌سازند. میرزایی‌سیسان افزود: یکی از خطاهای تکرارشونده در سیاست صنعتی ایران، توجه بیشتر به فناوری‌های چشمگیر (کپی نمونه خارجی) و توجه کمتر به خصلت‌های نهادهایی است که باید آن فناوری‌ها را پدید آورد و گسترش دهند. هدف سیاست‌گذاری نباید صرفاً افزایش تولید چند فناوری خاص باشد. مهم‌تر آن است که زیست‌بومی شکل بگیرد که بتواند نوآوری کند، از صنایع پشتیبانی کند و برای پژوهشگران محیطی پویا و رقابتی فراهم آورد. در چنین محیطی، پژوهشگر نباید بخش بزرگی از وقت و توان خود را صرف عبور از موانع اداری، مالی و سازمانی کند، بلکه باید بتواند بر حل مسائل واقعی صنعت و ارزش‌آفرینی تمرکز داشته باشد. تحقق این هدف به هماهنگی تخصص‌های بخشی و میان‌بخشی نیاز دارد، زیرا بسیاری از مسائل صنعتی در مرز چند حوزه قرار می‌گیرند.

پژوهشگر حوزه صنعت در ادامه خاطرنشان کرد: فناوری‌های جدید می‌توانند به کاهش بخشی از مشکلات صنعت ایران کمک کنند، اینکه هر فناوری باید در داخل توسعه یابد یا از خارج تأمین شود، به شرایط آن حوزه بستگی دارد و نیازمند بررسی جداگانه است. اما نبود دسترسی به تازه‌ترین فناوری‌های جهان، توضیحی کافی برای بحران‌های صنعتی کشور نیست. فناوری در محیط نهادی بی‌ثبات و بدون زیرساخت و بازار مناسب، ممکن است به پروژه‌ای نمایشی یا کالایی وارداتی محدود شود. درس اصلی تجربه سیلیکون‌ولی و چین، تقلید از محصولات نهایی آن‌ها

در نهایت اینکه در جهان امروز، تسلط بر فناوری‌های تحول‌آفرین پیش‌شرط تثبیت اقتدار اقتصادی و دستیابی به برتری ژئوپلیتیک است. باین‌حال، پیشتازی پایدار در این عرصه تنها با اتکا به تخصیص منابع سنگین مالی حاصل نمی‌شود؛ برنده واقعی قدرتی است که پیوند نهادی کارآمد و پیوسته‌ای میان دانشگاه، نظام تأمین مالی، صنعت و بازار برقرار سازد. در غیاب بهره‌وری ساختاری در زنجیره ارزش، تزریق فزاینده بودجه‌های دولتی و ارزی قادر به جابه‌جایی «سقف نامرئی» زیست‌بوم نخواهد بود و ارزش‌افزوده ملموسی برای بخش تولید خلق نمی‌کند. از سوی دیگر، این سقف‌های ساختاری



نیست، بلکه شناخت رابطه میان نهادها، سرمایه، استعداد، پژوهش و تقاضایی است که تولید و گسترش آن محصولات را ممکن کرده است. وی در ادامه خاطرنشان کرد: همچنین نباید از پژوهشگر، فناوری یا

بنگاه صنعتی انتظار داشت به‌تنهایی پیامدهای نارسایی سیاست‌های عمومی را جبران کند. فناوری به‌تنهایی مسئول رفع ناترازی برق و آب نیست، هم‌طور که خودروساز به‌تنهایی مسئول کیفیت هوای کلان‌شهرها نیست. هیچ بنگاه صنعتی نیز نمی‌تواند جای خالی سیاست انرژی، سیاست ارزی، سیاست تجاری، سیاست محیط‌زیست و نظام تأمین مالی کارآمد را پر کند.

مسئولیت نتایج عمومی، از امنیت آب و انرژی و هوای پاک گرفته تا بهره‌وری صنعتی و توازن منطقه‌ای، در درجه نخست بر عهده حاکمیت و نهادهای مسئول است. البته مسئولیت حاکمیت به معنای اجرای مستقیم همه امور نیست. یکی از ریشه‌های ناکارآمدی، روشن‌نبودن مرز میان نقش تنظیم‌گری و تصدی‌گری در صنایع ایران است. دولت و نهادهای حاکمیتی باید قواعدی روشن، پایدار، پیش‌بینی‌پذیر و قابل اجرا تعیین کنند، مسئولیت‌ها را میان بازیگران توزیع کنند، از منافع عمومی حفاظت کنند و در برابر نتایج سیاست‌های خود پاسخگو باشند. حکمرانی کارآمد مستلزم آن است که دولت بداند کجا باید سرمایه‌گذاری کند، کجا باید تنظیم‌گر باشد، کجا باید از بخش خصوصی حمایت کند و کجا باید از مداخله مستقیم عقب‌نشیند. میرزایی‌سیسان در پایان با تأکید بر در شرایط جنگ، تحریم، بودجه انقباضی و عدم‌اطمینان شدید، انجام این وظایف دشوارتر می‌شود گفت: با این حال دشواری نباید بهانه‌ای برای کنارگذاشتن مسئولیت‌پذیری باشد. هرچه شرایط بحرانی‌تر باشد، شفافیت در تقسیم مسئولیت‌ها و ثبات قواعد تصمیم‌گیری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر پژوهشگر یا بنگاه نداند کدام نهاد مسئول تأمین انرژی، توسعه زیرساخت، تدوین استاندارد، تأمین مالی یا تنظیم بازار است، ناگزیر بخشی از هزینه هماهنگی سازمانی را بر دوش می‌کشد.

سخن پایانی

در میان کشورها ناهمگن و پیوسته در حال تغییرند؛ ازاین‌رو، الگوی ایستایی برای بلوغ زیست‌بوم نباید متصور شد. ماهیت پویای رقابت جهانی ایجاب می‌کند که حکمران‌ها فراتر از خلق نوآوری‌های مقطعی، ارکان بنیادین و ظرفیت جذب سامانه نوآوری در زیست‌بوم خود را ارتقا دهند و تلاش همگانی برای هم‌افزایی همیشگی باشد. گذار به جایگاه پیشتازی صنعتی و حفظ پایدار آن، چالشی فرابخشی و پیچیده است که تنها شمار اندکی از بازیگران بین‌المللی توان تحقق و تثبیت آن را برای مدت طولانی دارند.